

سرزمین و مردم افریقای شرقی

تاریخ اوگاندا تا ۱۸۹۰

۲

ورود هیئت مبلغین مسیحی ۷-۱۸۷۶

در این موقع عده دیگری به بوگندا روی آوردند که نه منظور سیاسی و نه با الفیای برده فروشی کاری داشتند این عده مبلغین مسیحی بودند که برای تبلیغ دین مسیح آمده بودند . در ۱۸۷۵ وقتی استانی در بوگندا بود از فرصت استفاده کرد و با موتسا درباره مسیحیت بحث کرده بود . موتسا با دقت به حرف های استانی گوش داد و اظهار علاقه نموده بود . استانی نامه ای به روزنامه دیلی تلگراف نوشت و تقاضا کرد مبلغینی به سرزمین بوگاندا فرستاده شوند . علت علاقه موتسا به دین جدید این بود که خیال می کرد بسط مسیحیت در کشور او مانع پیشرفت مصری ها از سمت شمال و اعراب از طرف مشرق خواهد شد . در آن موقع این فکر موتسا آشکار نشد و پس از جاب کاغذ استانی شخص گمنامی مبلغ پنج هزار لیسه برای اعزام کیش و مبلغی به هیئت مبلغین مسیحی اهدا کرد و دیگران نیز وجوهی دادند . اعزام چنین هیئتی کار آسانی نبود زیرا در آن موقع تنها راه کشف شده به آن سرزمین عبارت بود از راه قدیمی اعراب یعنی از زنگبار به سوی تابورا در وسط تانگانیکا و از آنجا به سمت شمال به دریاچه ویکتوریا و از این راه اقل شش ماه طول می کشید تا شخصی به بوگندا برسد و حفظ ارتباط کار آسانی نبود . معهذابا وجود این اشکالات هشت نفر کیش داوطلب شدند به بوگاندا بروند و این هیئت تحت رهبری ستوان ترگله اسمیت در ماه ژوئیه ۱۸۷۶ در باگومولو پیاده شد در طی یک سال چهار نفر آنها مردند . دو نفر از بیماری و تب و دو نفر دیگر که یکی ترگله اسمیت بود در زردی خورده با بومیها در جزیره اوکه Ukerewe تا سال ۱۸۷۷ فقط یک نفر آنها موسوم به ویلسون باقی مانده بود . سال بعد یکی از بزرگترین مبلغین اولیه بوگاندا یعنی الکساندر ماکئی به او ملحق شد . ماکئی تحصیلات مهندسی کرده بود . از همان بدو ورود موتسا برای او احترام مخصوصی قائل بود . سال ۱۸۷۹ سه نفر دیگر به آن دو پیوستند و موتسا مقدم آنها را گرامی داشت .

ورود مبلغین فرقه کاتولیک

پس از ورود مبلغین کلیسای انگلیس دو نفر از کشیش‌های مذهب کاتولیک به دربار موتسا راه یافتند و چندی بعد سه نفر دیگر به آنها ملحق شدند. این عده از گروه پدران سفید بسودنند که هنوز در اغلب نقاط افریقای شرقی مدارس و کلیساهای خود را در دست دارند و به تعلیم و تربیت و تبلیغ مذهب کاتولیک ادامه می‌دهند. بوگاندا تنها محلی نبود که کاتولیکها به تبلیغ مذهب پرداختند. ولی آنجا کاتولیکها و طرفداران کلیسای انگلیس با هم مواجه شدند و هر دو دسته مجبور بودند در دربار موتسا بمانند. این مطلب نتایج تاسف‌آوری بوجود آورد ماکی Mackey و لوردل Lourde رهبر پروتستانها و کاتولیکها اهل مصالحه همکاری بودند و از همان بدو امر با هم مخالفت و رقابت کردند و سوء تفاهات شدید بین آنها ایجاد شد. به علاوه اعراب مسلمان که با هر دو گروه دشمنی داشتند از فرصت استفاده کرده و به این نفاق دامن می‌زدند و آبروی هر دو گروه را پیش موتسامی بردند و او را با آنها دشمن نمودند. موتسامی مذاهب را نماینده قدرت سیاسی می‌دانست و ملکه ویکتوریا را پشتیبان ماکی و قدرت فرانسه را پشتیبان لوردل تصور می‌کرد و چون معتقد بود که انگلیس و فرانسه از سلطان زنگبار مقتدر ترند در بادی امر مبلغین مسیحی را بر اعراب مسلمان بیشتر مورد توجه قرار می‌داد ولی به زودی دریافت که مبلغین مسیحی قادر نیستند برای او اسلحه و قشون فراهم کنند و به همین علت از آنها روگردان شد. در اواخر سال ۱۸۷۹ از اسلام و مسیحیت هر دو روگردان شد و معتقدات بومی با قربانی‌های انسانی دوباره رونق گرفت.

اقدامات مبلغین مسیحی در سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۲

در عین حال میسیون‌های مسیحی به کار خود ادامه دادند و در ۱۸۸۰ لوردل اولین افریقایی اهل بوگاندا را غسل تعمید داد و سال بعد یکی از شاگردان ماکی تقاضای تعمید کرد و در سال ۱۸۸۲ چهار نفر دیگر مذهب پروتستان را قبول کردند. در ضمن چاپخانه کوچک ماکی اولین ترجمه قسمتی از کتاب مقدس را به زبان بوگاندا چاپ کرد. قدم بعد آموختن، خواندن و نوشتن به مردم بود و بزودی عده زیادی داوطلب یادگرفتن شدند. رقابت بین پروتستانها و کاتولیکها مانع از پیشرفت دین مسیح در بوگاندا نگردید.

سال‌های آزار مسیحیان ۱۸۸۲-۵

پیشرفت مسیحیت به آسانی صورت نگرفت. در سال ۱۸۸۲ رفتار موتسا به قدری خصومت‌آمیز بود که کاتولیکها مجبور شدند میسیون خود را از بوگاندا به جنوب دریاچه ویکتوریا نقل مکان دهند ولی ماکی و او فلا هرتی در بوگاندا باقی ماندند

بدترین سال ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ بود که از چندین نظر برای مسیحی‌ها بد بود. متوسطاً در اکتبر ۱۸۸۴ فوت کرد و موقع مرگ هنوز کافر بود، در اول میسیون‌ها نسبت بسه پسر او موانگا Mwangi که جای او را گرفت و کباکاشد امیدزایی داشتند زیرا او یکی از شاگردان ماکی بود. در واقع او اولین پادشاهی بود که در موقع جلوس به تخت سلطنت مردم را قربانی نکردند ولی به زودی معلوم شد که به موانگا نمی‌شود اعتماد کرد اولین کاری که کرد این بود که بدین اسلام در آمد و از اعراب حمایت کرد و شروع به آزار مبلغین مسیحی نمود. یکی از علل آن این بود که غلامان دربار او که از شاگردان ماکی بودند با اعمال قبیح و زشت در دربار او مخالفت می‌نمودند و در نتیجه در ژانویه ۱۸۸۵ سه نفر از جوانان همکار ماکی را گرفت و آنها را شکنجه داد و به آتش سوزانید. این اعمال در اثر ترس از این بود که مبادا اروپائیان کشور او را تسخیر کنند و برای این امر شواهدی در دست داشت. در دسامبر ۱۸۸۳ جوزف تامسن از طریق مومباسا و سرزمین قبایل ماسامی به انتهای شمالی دریاچه ویکتوریا رسید و قبل از او کسی از این راه نیامده بود و چون در روایات بوگاندا آمده که این کشور به وسیله مردی که از آن راه خواهد آمد تسخیر خواهد شد موانگا نگران گردید و نگرانی او شدیدتر شد وقتی شنید کارل پیترز آلمانی سرزمین مقابل جزیره زنگبار را به تصرف در آورده است. اعراب همه قدرت خود را بکار بردند که او را متقاعد کنند که مسافرت تامسن و عقد قراردادهای پیترز همه قسمتی از نقشه اروپائیان برای تصرف بوگانداست و مبلغین مسیحی به اجرای این نقشه کمک می‌کنند. موانگا این حرف‌ها را باور کرد.

Hannington

قتل اسقف هنینگتن ۱۸۸۵

جیمز هنینگتن که تازه به مقام اسقفی افریقای شرقی انتخاب شده بود دستور داشت که هرچه زودتر خود را به بوگاندا برساند و کار خود را شروع کند. متأسفانه بدموقعی به بوگاندا آمد و نیز برخلاف نظرو مصلحت کشیش‌های مقیم بوگاندا همان راهی را که تامسن آمده بود انتخاب کرد حتی خود تامسن نیز با آمدن او از این راه مخالف بود.

اسقف در سوم ژوئیه ۱۸۸۵ رابای را ترک کرد و در اول ژانویه ۱۸۸۶ تلگراف زیر از زنگبار به انگلیس مخابره شد.

اسقف تامسن که در ژوئن گذشته مومباسا را ترک کرد و از راه مستقیم به بوگاندا حرکت کرد به دستور پادشاه در نزدیکی کشور بوگاندا دستگیر شده است و آخرین

گزارشها حاکی از آن است که پادشاه حکم قتل اسقف را صادر کرده است .
این مطلب کاملاً " حقیقت داشت . در ماه اکتبر همین که هنینگتن وارد لوبا در
بوسوگاشد دستگیر و زندانی گردید و هشت روز بعد به دستور موانگا به قتل رسید .

شهادی ۱۸۸۶

پس از قتل اسقف موانگا در صدد قتل کلیه اعضای میسیون‌های مذهبی در پایتخت
خود برآمد و تا مدتی جان همه آنها در خطر بود . سپس در ماه مه ۱۸۸۶ تصمیم
گرفت آجودان‌های دربار خود را که با اعمال قبیح و مخالفت می‌کردند به قتل برساند
و از آنها بپرسد که کدام شاگرد میسیون‌های مذهب بوده و در آنجا تعلیم یافته‌اند
از کسانی که قدم جلو گذاشتند ۱۲ نفر پروتستان و ۱۳ نفر کاتولیک بودند که همه
اعدام شدند . در همان روزه ۲۰ نفر از افریقایی‌های مسیحی در شهر به قتل رسیدند .
موانگا با این عمل وحشیانه ریشه نفوذ مذهب مسیحی را از بین نبرد بلکه شجاعت و شهامت کسانی
که داوطلبانه به شهادت رسیدند باعث تقویت مسیحیت در بوگاندا گردید .

انقلاب ۱۸۸۸ — در ماه سپتامبر ۱۸۸۸ انقلابی در کشور بوگاندا بوقوع پیوست و علت
آن نقشه کودتای پادشاه برای از بین بردن کلیه مسلمانان و مسیحیان و طرفداران آنها
بود . وی قصد داشت همه آنها را در یک جزیره در وسط دریاچه جمع کند و رابطه آنها را
به افریقای خارج قطع نماید و سپس به مذهب لوبارتیسم برگشته و بدون مخالفت دیگران به
استبداد حکومت کند . نقشه او کشف شد و مسلمانان و مسیحیان از سوار شدن به کشتی و
رفتن به جزیره در وسط دریاچه امتناع کردند و همه مخالفین دست بدست هم داده و
تصمیم گرفتند موانگا را از سلطنت خلع نمایند . موانگا بسمت جنوب دریاچه فرار کرد و
مردم کیوه و Kiwewa برادر بزرگتر او را بجای او انتخاب کردند . کباکای (پادشاه)
جدید آزادی مذهب را در کشور اعلام کرد و مقامات عمده مملکتی بین سه دسته یعنی
مسلمانان و پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها تقسیم گردید .

این انقلاب تاثیر عمیقی در کشور بوگاندا نمود . موانگا در اثر بی‌لیاقتی و اعمال ظالمانه
باعث از بین بردن احترام مقام خود و مقام موروثی کباکا گردید . روسای قبائل که سابقاً
همه به کباکا وفادار بودند به دسته‌های مختلف تقسیم شدند و بجای اینکه به پادشاه خود
وفادار باشند بیکی از دستجات مذهبی پیوستند و بدینوسیله هر کدام بر قدرت خود افزودند
و بدسته‌ای که خیال می‌کردند قویتر خواهد شد ملحق شدند باین امید که در صورت بروز جنگ
داخلی استفاده کرده و غنائم بیشتری بدست آورند . در این دسته‌بندی‌ها سیاست نیز
نقش عمده‌بازی می‌کرد زیرا مسلمانان با گروه اعراب و کاتولیک‌ها بانفوذ فرانسه و پروتستان‌ها

با گروه طرفدار انگلیس مطابقت پیدامی‌کرد، پروتستان‌ها امید داشتند که بوگاندا جزو ممالک تحت‌الحمایه انگلستان شود و تحت نفوذ عرب‌ها یا فرانسوی‌ها یا آلمان‌ها قرار نگیرد. کاتولیک‌ها آرزو داشتند قرآنسه آنجا را تصرف کند و در هر حال به هیچوجه میل نداشتند جزو منطقه نفوذ انگلیس واقع شود و همه کوشش خود را می‌کردند که موانگا تحت‌الحمایگی انگلیس را قبول نکند. از طرف دیگر عرب‌ها به منافع‌ی که از راه تجارت از بوگاندا می‌بردند قانع نبودند و میل داشتند آن کشور را به تصرف خود درآورند.

تصرف بوگاندا از طرف اعراب

یک ماه بعد از خلع موانگا و جلوس کیوهوا عرب‌ها کوشش کردند کباکای جدید را تحت نفوذ خود درآورده و میسیون‌های مذهبی مسیحیان را از بوگاندا طرد نمایند. در اوائل امر تا حدی توفیق حاصل کردند بدین ترتیب که به کیوهوا چنین وانمود کردند که مسیحیان قصد دارند او را از سلطنت خلع نمایند و برای جلوگیری از این امر نیروهای خود را به محوطه کاخ سلطنتی داخل کردند و روسای قبایل را که مسیحی بودند از پایتخت بیرون کردند و میسیون‌های مذهبی کاتولیک و پروتستان‌محور شدند بسمت جنوب دریاچه ویکتوریا فرارکنند. بنا براین عرب‌های مسلمان قدرت را بدست و کیوهوا را تحت نفوذ گرفتند. ولی چون کیوهوا حاضر بآنجام بعضی از مراسم اسلامی نگردید او را از سلطنت خلع کرده و برادر کوچکتر وی موسوم به کالما Kalema را به تخت نشاندند و بوگاندا در واقع بصورت یک کشور عرب درآمد. ولی توفیق اعراب زیاد بطول نیانجامید. روسای قبائل که مسیحی بودند و طرفداران آنها که از پایتخت فرار کرده بودند در اکتبر ۱۸۸۸ در انکوله Ankole کشور مجاور جمع شدند و عده آنها روز بروز زیادتر میشد زیرا مردم در اثر تعصب شدید و فشار حکومت مسلمانان آن متنفر شده بودند. در ضمن در دسامبر ۱۸۸۸ موانگا به میسیون کاتولیک پناه آورد و چون از اعمال سابق خود اظهار ندامت کرد کاتولیک‌ها باو پناه دادند و باین فکر افتادند که با کمک پروتستان‌ها حکومت را از دست مسلمان‌ها بگیرند و موانگا را دوباره به تخت سلطنت نشانند. مامی رئیس پروتستان‌ها که به وعده‌های موانگا اعتماد نداشت و تجربیات تلخی از دوره سلطنت او داشت حاضر به همکاری نشد ولی مسیحیان انکوله به تشویق شخصی بنام چارلز استوکس Charles Stoks که سابقاً "کشیش" و در آن موقع به تجارت مشغول بود حاضر به کمک شدند و پس از یک سلسله جنگ‌هایی که چندین ماه طول کشید کالما و طرفداران عرب او شکست خوردند و موانگا به پایتخت خود بازگشت و مقامات درباری را بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها تقسیم کرد و در منگو Menko پایتخت جدیدی برای خود ساخت.

پیروزی مسیحیان نیز دیری نپائید زیرا اعراب پس از شکست خود به کشور مجاور باینوروی Buyno پناه بردند و با کابارگا Kabarega پادشاه آن کشور متحد شدند و با کمک وی در نوامبر ۱۸۸۹ به بوگاندا حمله کردند و آن شهر را به تصرف در آوردند و موانگا و مسیحیان یک بار دیگر به جزایر اطراف عقب نشینی نمودند. کالما و طرفداران مسلمان و عرب او سه ماه قدرت را بدست داشتند و یکبار دیگر مسیحی‌ها در فوریه ۱۸۹۰ مسلمانان را سخت شکست دادند و حکومت را بدست گرفتند و موانگا را دوباره به پایتخت برگردانیدند.

توفیق کاتولیک‌ها

موانگا بعد از موفقیتی که به کمک کاتولیک‌ها بدست آورد طبعاً "نسبت به آنها توجه بیشتری داشت و با کمک و مشورت آنها مملکت را اداره میکرد. بدین ترتیب لوزدل Lourdel رئیس کاتولیک‌های گانه مشاور اروپائی او گردید و این امر برای پروتستان‌ها باعث نگرانی شد زیرا کاتولیک‌ها قدرت زیادی پیدا کردند و رؤسای قبائلی که مسیحی نبودند با آن دسته که مورد توجه پادشاه بودند همراهی و همکاری می‌کردند. در ضمن در اثر تلقینات لوزدل موانگا از انگلیس‌ها سوءظن پیدا کرد و متوجه شد که در نتیجه عهد نامه ۱۸۸۶ ممکن است بوگاندا و نواحی مجاور آن جزو منطقه نفوذ انگلیس یا آلمان قرار گیرند. خود او سخماً تسلط آلمان‌ها را ترجیح می‌داد زیرا می‌ترسید اگر انگلیس‌ها بوگاندا را متصرف شوند به گامیابی و موفقیت پروتستان‌ها منجر شود.

سفرهای اکتشافی استانی و جکسون و پیترز

هم زمان با جنگ‌های بین مسلمانان و مسیحی‌ها سه هیئت اکتشافی بسوی بوگاندا در حرکت بر-ه. همه در ظاهر برای نجات امین پاشای آلمانی که حاکم ایالت اکواتوریا بود و به علت شورش طرفداران مهدی در سودان ارتباط او با سودان قطع شده بود می‌آمدند. اولین آنها که تحت رهبری استانی بود به بوگاندا رسید و امین پاشا را پیدا کرد و با خود به زنگبار برد. ولی عده زیادی از سربازان سودانی خود را تحت فرماندهی سلیم بیگ در جنوب غربی دریاچه البرت باقی گذاشت. در ژوئیه ۱۸۸۹ استانی در مراجعت به اروپا از آن گوله عبور می‌کرد پناهندگان مسیحی از او تقاضای کمک کردند ولی چون استانی نمی‌توانست در مراجعت خود تا خیری بیاندازد از دادن کمک معذرت خواست. هیئت دوم تحت هدایت فردریک جاکسون از طرف کمپانی انگلیسی افریقایی شرقی B.E.A.G صورت می‌گرفت جاکسون بنا به دستوری که داشت از وارد شدن به بوگاندا و کمک به موانگا خود داری کرد و به طرف کوه الگون در پی یافتن عاج رفت. در همین موقع هیئت اکتشافی سوم تحت ریاست دکتر

خانه کامرانی و نعمت خوارگی و کسب لذت است - مانند چارپایان. و هنگامیکه از این جهان بسرای آخرت رحل اقامت افکندند، چون تعلقات آنان بدار دنیا قطع نگردیده، و همه آلودگی‌های اینجهانی را به همراه، دارند این شوائب و تعلقات ماده‌المواد آلام و رنجهای آنجهانی را تشکیل میدهند، و لذات و شهوات دنیا پس از مرگ منقلب بجهنم و آتش و عذاب گردیده، درصمیم جان و ژرفای قلب آنان رسوخ مینماید، و هر صفت زشت، بصورتی هولناک مناسب صفت تمثل و تصور یافته، نفوس و قلوب آنانرا تا موقعی که خداوند بخواهد با آتش تاءلم میسوزد، بنا بر این جهنم منزلی جداگانه نیست، بلکه ناشی از همین دنیای طبیعی و از سنخ آن است و اراضی بهشت و دوزخ نیز مستوی و بدون درختهای طوبی یا زقومند و مردم در همین دنیا با اعمال صالحه یا معاصی و فجور خود ایندو زمین - بهشت و جهنم - را با اعمال خود درختکاری میکنند، و این حدیث مؤید نظر بالاست: ((ارض الجنة قیعة فاغرسوها من عمل صالح)) ادامه دارد

(بقیه صفحه ۳۶)

کارل پیترز آلمانی که شرح عملیات و اقدامات او به نفع آلمان در تانگانیکا در فصول قبل از نظر خوانندگان گذشت وارد شد. ضمن عبور از اردوگاه جاکسون همه مکاتبات و اسناد وی که شامل نامه تقاضای کمک موانگا بود قرائت کرد و فوری به پایتخت بوگاندا آمده و پیشنهاد عقد قرار داد با موانگا نمود. چون در آن موقع موانگا هنوز از دسته عرب‌ها که در باینورو بودند هراس داشت با مشورت لوردل پیشنهاد پیترز را برای عقد و امضای قرار داد با وی پذیرفت. پیترز پس از امضای قرار داد به سفر خود به سمت جنوب دریاچه ادامه داد جاکسون که از اقدامات پیترز خواندن اسناد او و عقد قرار داد اطلاع حاصل کرد سخت عصبانی شد و به دنبال پیترز به منگو آمد ولی پیترز در آن موقع از آنجا رفته بود جاکسون نیز پیشنهاد امضای قرار داد با موانگا کرد ولی چنانکه پیش‌بینی می‌شد موانگا این پیشنهاد و موافقت قرار داد را نپذیرفت و جاکسون برای کسب دستور بیشتر به سمت ساحل حرکت کرد این کمندی و رقابت بین پیترز و جاکسون نتیجه تاءسف آوری داشت و آن اینکه فاصله و اختلاف بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را زیادتر کرد.

عهد نامه هلیگولند

اقدامات پیترز و جاکسون و رقابت بین آنها بی‌حاصل بود زیرا در همان زمان به موجب عهدنامه هلیگولند بوگاندا و نواحی مجاور آن به انگلیس تعلق گرفت. مع هذا دولت انگلیس قصد اشغال آن نواحی و صرف مخارج اداره آن را نداشت و قرار بود که کمپانی انگلیسی افریقای شرقی متحمل هزینه اشغال آن نواحی بشود و این کار از قوه مالی کمپانی خارج بود ولی آن را قبول کرد. نتایج اقدامات کمپانی را در فصل بعد شرح خواهیم داد.